

باز تعریف نقش انجمن اولیا و مربیان در

عصر جدید تعلیم و تربیت

متن سخنرانی دکتر علیرضا علی احمدی،

وزیر آموزش و پرورش

در جشنواره تجارب و نوآوری‌های انجمن اولیا و مربیان

شهر تهران - خرداد ۱۳۸۷



جامعه گسترده اطلاعاتی و باز زندگی می‌کنیم که در آن رسانه‌های جمعی، فرهنگ عمومی و عوامل محیطی گوناگون می‌توانند بر رفتار فرزندان ما تأثیر بگذارند. اکنون در شرایطی قرار داریم که فضای مجازی و انقلاب الکترونیک سیطره‌های غیرقابل کنترل بر گروهی از فرزندان من و شما و حتی والدین و معلمان پیدا کرده‌اند و در چنین شرایطی است که باید نقش مدرسه، خانواده و سایر نهاد‌هایی را که می‌توانند در این صحنه تأثیرگذار باشند، باز تعریف کنیم. ما امروز نمی‌توانیم فقط به پل ارتباطی نه چندان مستحکم که بین خانواده‌ها و دست‌اندرکاران مدارس وجود دارد، امید ببندیم و انتظار داشته باشیم که فرزندان ما آن‌گونه که انتظار داریم هویت پیدا کنند و شخصیتشان شکل بگیرد. امروز ما در مقابل رسانه‌های جمعی و انقلاب الکترونیک مسئولیت داریم و نمی‌توانیم نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت باشیم. امروز، نظام تعلیم و تربیت کشور ما نیاز به بازنگری اساسی دارد. امروز نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که وزارت آموزش و پرورش به تنهایی بتواند پاسخ‌گوی ایجاد رفتار مطلوب و نهادینه شدن ارزش‌های مورد نظر در وجود فرزندان ما باشد.

اگر چه برقراری تعامل سازنده میان خانه و مدرسه از اهمیت بسیار برخوردار است، اما به هیچ‌وجه نقش آن تام و کامل نیست. همان‌گونه که برقراری تعامل میان اولیا و مربیان و خانه و مدرسه امری ضروری است، امروزه برقراری تعامل میان مدرسه و رسانه ضرورتی به مراتب بالاتر است. امروز، فرهنگ عمومی، تأثیری انکارناپذیر بر سرنوشت مدارس، معلمان، اولیا و مربیان دارد و عوامل متعددی فرهنگ عمومی را شکل می‌دهند. فرهنگ عمومی ما متأثر از پیشینه تاریخی و تحولاتی است که در فرهنگ جامعه روی می‌دهد. امروز، نه تنها دانش‌آموزان و فرزندان من و شما در مقابل تهاجم فرهنگی و عوامل تخریب‌فرهنگی مصونیت کافی ندارند، بلکه معلمان و خانواده‌های ما نیز در برابر آن مصون نیستند.

اولین اقدامی که می‌توان انجام داد این است که برنامه‌ای برای مصونیت بخشی در قبال رسانه‌ها اعم از اینترنت، ماهواره، یوتیوب و ... طراحی کنیم. این اقدام، مسئولیت ملی است که حاکمیت، دولت و وزارت آموزش و پرورش باید در آن سهیم باشند. ما نمی‌توانیم صرفاً با تقوای پرهیز فرزندانمان را در برابر پدیده‌های یاد شده مصونیت ببخشیم. لذا هم پرهیز و هم ستیز را باید پیش بگیریم.

البته پدیده‌های رسانه‌ای نوین، آثار و جنبه‌های مثبت نیز دارند که می‌تواند به تعاملات مثبت فرهنگی بینجامد. اما در این جاذبه تهاجمی و آثار مخرب آن‌ها مورد نظر ماست. در برنامه مصونیت بخشی به کودکان، نوجوانان و شهروندان این مرز و بوم، نظام آموزش و پرورش ما به تنهایی راه به جایی نخواهد برد و همه دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت و فرهنگی کشور، از اولیا گرفته تا مسئولان فرهنگ عمومی کشور، مسئولان صدا و سیما و دیگر رسانه‌های جمعی و ... باید در این کار نقش آفرین باشند. ما بتوانیم به نظام مطلوب آموزش و پرورش و آموزش عالی، نظام مطلوب ورزشی و تربیت بدنی، نظام مطلوب نوآوری و کارآفرینی و ... دست پیدا کنیم.

موضوع بحث ما این است که در عصر کنونی چه عواملی در آموزش و پرورش دخالت دارند؟ آیا جایگاه سنتی انجمن اولیا و مربیان در این عصر نیاز به تحول و بازنگری دارد؟ چگونه می‌توان عوامل مؤثر در نظام تعلیم و تربیت را به گونه‌ای اثربخش مدیریت کرد؟ مشارکت اولیا چگونه باید سامان دهی شود؟

در مقطعی از زمان فلسفه وجودی انجمن اولیا و مربیان، برقراری تعامل میان دو نهاد خانه و مدرسه بوده و در کشور ما نیز با یک فاصله زمانی از دنیا، این نهاد شکل گرفته است تا با توجه به سلسله مراتبی که به اقتضای آموزش و پرورش وجود دارد، فعالیت‌هایی را که برای برقراری تعامل میان دو نهاد مؤثر در تعلیم و تربیت باید انجام شود، سیاست گذاری، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت، نظارت و ارزیابی کند. اما در مقطعی که ما زندگی می‌کنیم، شرایط به گونه‌ای نیست که معلم و والدین تک ستاره و گروه مرجع اصلی باشند. ما اکنون در جامعه‌ای با نسبه باز زندگی می‌کنیم که عوامل متعدد دیگری پای به صحنه تعلیم و تربیت گذاشته و خانه و مدرسه و تعامل این دو، نقش کم رنگ‌تری یافته‌اند. حال سؤال این است که عوامل یاد شده چه عواملی‌اند و چگونه می‌توانیم رویکرد قبلی را ترمیم کنیم؟

تلقی حقیر این است که امروزه فرهنگ عمومی و رسانه‌ها، اعم از رسانه ملی و رسانه‌های دیگران، سایر دستگاه‌های فرهنگی و فکری، دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی و حوزه‌ها در شکل‌گیری هویت اجتماعی و شاکله شخصیتی فرزندان ما تأثیر گذارند. البته به جز عوامل ذکر شده، عوامل دیگری نیز می‌تواند مؤثر واقع شود. بدین ترتیب، اگر در مقطعی از زمان، پل ارتباط میان خانه و مدرسه برقرار شد، حالا باید مجمع بزرگ‌تری داشته باشیم که همه این نهادها و مجموعه‌ها را در بر بگیرد یا پل‌های ارتباطی متعدد و یک مرکز هماهنگی داشته باشیم تا بتواند خلاء تعامل، هم راستایی، هم‌فرازی و هماهنگی عوامل اصلی نظام تعلیم و تربیت را پر کند.

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، امروز در دنیایی زندگی می‌کنیم که شکل‌گیری شخصیت و هویت اجتماعی فرزندان ما، تنها تحت تأثیر معلم و مدرسه و خانه و والدین قرار ندارد و فقط به آن‌ها وابسته نیست. اگر روزی اولیای تعلیم و تربیت به این جمع‌بندی رسیدند که تعامل میان خانه و مدرسه، اثربخشی فرایند تعلیم و تربیت را به ارمغان می‌آورد، امروز باید این دستاورد را مورد بازنگری قرار دهیم، زیرا اکنون در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که نهادها و گروه‌های پیش‌تری بر سرنوشت فرزندان من و شما تأثیر می‌گذارند. امروز، نهاد‌های متعدد در عرصه تعلیم و تربیت حضور دارند که باید آن‌ها را به رسمیت بشناسیم و با آن‌ها ارتباط برقرار کنیم.

امروزه در شرایطی قرار داریم که فرزندان ما به طور متوسط در طول سال تحصیلی، سه ساعت از شبانه روز (با احتساب تعطیلات رسمی، تابستانی و روزهایی که کلاس و مدرسه برقرار نیست، این ساعات در یک سال حتی به نصف تقلیل می‌یابد) را در مدرسه به سر می‌برند و در بقیه اوقات تحت تأثیر عوامل خارج از مدرسه قرار دارند. امروز در یک

شماره: ۲۴۸



نشریه ماهانه آموزشی-تربیتی